

## بررسی نقش تعدیل‌گری باورهای مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متاهل

شهریار وجدانی<sup>۱</sup>

مریم کرمی<sup>۲</sup>

صدیقه احمدی<sup>۳</sup>

### چکیده

این پژوهش، با هدف بررسی نقش تعدیل‌گری باورهای مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متاهل شهر تهران انجام شد و پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش، زنان متاهل مراجعه کننده به سراهای محله و خانه‌های سلامت منطقه ۳ تهران بودند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس، ۱۵۲ زن متاهل انتخاب شده و به پرسش‌نامه‌های سبک دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰)، باورهای دینی (آزمون معبد) گلزاری (۱۳۷۹) و نگرش به خیانت ویتلی (۲۰۰۸) پاسخ دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و نگرش به خیانت در زنان متاهل، رابطه منفی و معنادار وجود دارد و باورهای مذهبی، این رابطه را تعدیل و به میزان چشمگیری منفی‌تر کرده است. از دیگر نتایج این پژوهش این بود که بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و نگرش به خیانت در زنان متاهل، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ولی با ورود باورهای مذهبی به عنوان تعدیل‌گر،

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب shahriar.vejdani@gmail.com

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه خوارزمی تهران Maryamkarami4@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران ahmadi139090@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲

رابطه مستقیم سبک‌های دلبستگی اجتنابی و نگرش به خیانت بی‌معنی می‌شود. همچنین نتایج پژوهش نشان داد باورهای مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متأهل، نقش تعدیل‌گر را ایفا می‌کند.

### واژگان کلیدی

باورهای مذهبی، سبک‌های دلبستگی، نگرش به خیانت

### مقدمه و بیان مسئله

خانواده، قدیمی‌ترین و عمومی‌ترین نهاد اجتماعی است که براساس ازدواج و پیوند بین یک مرد و یک زن، براساس نوعی قرارداد شکل می‌گیرد و کارکردهای متنوع فردی، اجتماعی، تربیتی، اقتصادی، فرهنگی و روانی دارد و نهادی موثر بر جامعه و سلامت آن است. روابط مناسب در جامعه، براساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (علوی و سلطانی، ۱۳۹۶). یکی از عوامل آسیب‌زا در ساختار و ثبات خانواده و مهم‌ترین دلیل طلاق و جدایی زوجین (مومنی جاوید و دیگران، ۲۰۱۲)، مسئله‌ی روز افزون روابط فرارزناشویی<sup>۱</sup> است (حبیبی و حیدری، ۱۳۹۴). این پدیده در جوامع و فرهنگ‌های مختلف، به اشکال گوناگون تعریف شده است و هر زوجی بنا به تعهدی که در رابطه خویش با یکدیگر بنا نهاده‌اند، نگرش و تعریف خود را دارند (زولا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). پیتمن<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) خیانت<sup>۴</sup> را هر نوع رابطه جنسی یا عاطفی مخفیانه و خارج از قواعد زناشویی در نظر می‌گیرد. شیوع خیانت زناشویی از پژوهشی به پژوهش دیگر و در کشورهای مختلف متفاوت است، که شاید پنهان کاری، رازداری، ترس از بی‌آبرویی و محافظه کاری افراد در حسن پاسخ به سوالات از عوامل این اختلافات باشد (کریمی، زکی‌بی، محمدی و حق شناس، ۱۳۹۴). عوامل مرتبط با خیانت

<sup>۱</sup> . Extramarital affairs

<sup>۲</sup> . Zola

<sup>۳</sup> . Pitman

<sup>۴</sup> . Infidelity



زناشویی در سه حیطه تفاوت‌های فردی (مانند ویژگی‌های شخصیتی و نگرش‌ها)، ماهیت رابطه (مانند سطح تعهد و رضایت از رابطه) و شرایط محیطی (مانند فرصت خیانت یا جذابیت شخص سوم) گنجانده می‌شود (شریفی، حیدری، خوروش و فاتحی زاده، ۱۳۹۱). افراد بنا به دلایل مختلفی از جمله: کنجکاوی، تنوع طلبی، انگیزه تجربه کردن، مبارزه با ناکارآمدی و کسب اعتمادبه نفس، سرگرمی، گریز از واقعیت، مشکلاتی در رابطه با صمیمیت، انتقام و کنجکاوی جنسی، وارد روابط فرازناشویی می‌شوند. گلس و رایت<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) چهارعامل جنسی، هیجانی، انگیزه پیشرفت و عاشق شدن را به عنوان علل خیانت نام می‌برند. براون<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) نیز در پژوهش خود از عللی مانند: اجتناب از تعارض، آشیانه خالی و اعتیاد به عادات ناهنجار جنسی نام می‌برد (نقل از عسگرآباد و حیدری، ۱۳۹۴). جلب توجه، قدرت طلبی، اثبات مردانگی و زنانگی و اثبات جذابیت می‌توانند علل خیانت باشند (فیشر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). در نهایت گلاسر تجربه مجدد صمیمیت فردی و جنسی را مهم‌ترین انگیزه زن و مرد متاهلی می‌داند که به سوی روابط نامشروع کشیده می‌شوند؛ چیزی که دیگر آن را در زندگی مشترکشان نمی‌یابند. بنابراین جذابیت روابط نامشروع به این دلیل است که هیچ‌یک از طرفین، سرزنش و شکوه نمی‌کنند (خوش‌نیت و برازنده، ۱۳۹۰). مردان و زنان متاهلی که نگرش سهل‌گیرانه‌تری به روابط فرازناشویی دارند، به احتمال بیشتر درگیر آن می‌شوند (بانک و باکر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵؛ هنسن<sup>۵</sup>، ۱۹۸۷؛ اتکینز و کسل<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸).

علاوه بر ویژگی‌های درون ازدواج، ویژگی‌های شخصیتی افراد در گرایش به روابط فرازناشویی نقش دارد. از جمله این صفات شخصیتی می‌توان به سبک‌های دلبستگی<sup>۷</sup> اشاره

1. Glass, Write

2. Brown

3. Fisher

4. Bank, Bakker

5. Hansen

6. Atkins and Kassel

7. Attachment styles

کرد (کارداکتز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹، نقل از رضوانی زاده و همکاران، ۱۳۹۵). برخی از پژوهشگران بر این باورند که مشکلات زناشویی در سبک‌های دلبستگی زوج‌ها ریشه دارند و از این رو نشانه‌های آشفتگی زناشویی نشانه‌ای از دلبستگی ناایمن است (حجت خواه، محمدی و ولدبیگی، ۱۳۹۵). جان بالبی<sup>۲</sup> نخستین نظریه‌پرداز در حوزه دلبستگی، به سه سبک اشاره دارد: سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی<sup>۳</sup>. ماهیت خود در افراد دلبسته ناایمن با خود ارزشمندی اگر-پس مشخص می‌شود. (مثلا اگر شخصی را که دوست دارم مرا دوست نداشته باشد، پس من هیچ چیز نیستم و ارزش ندارم). یک چنین خود (اگر-پس) به طور دفاعی به اتخاذ موضع اجتنابی منجر می‌شود. سبک دلبستگی اجتنابی با اتخاذ فاصله هیجانی از دیگران خود را نشان می‌دهد. افرادی که سبک دلبستگی ناایمن دارند کارکرد زناشویی ضعیف، ارتباط و حل مسئله ضعیف، انعطاف‌پذیری و اعتماد متقابل پایینی دارند و در موقعیت‌های اضطراب‌آور عزت نفس کمی دارند، در نتیجه ضعیف عمل می‌کنند (هدایتی و بگی، ۱۳۹۵).

نتایج پژوهش کوهن<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) با هدف بررسی رابطه دلبستگی با خیانت در روابط رمانتیک، نشان داد که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، نسبت به افراد دارای دلبستگی‌های ناایمن، نگرش کمتری به خیانت دارند. سبک دلبستگی ناایمن می‌تواند پیش‌بینی‌کننده قوی عهد شکنی زناشویی باشد، که یکی دیگر از عوامل مورد بررسی در پژوهش حاضر است. در مقابل، افراد با سبک دلبستگی ایمن کمترین احتمال درگیری در روابط فرازناشویی را نشان داده‌اند.

صاحب نظران بسیاری مطرح کرده‌اند که دلبستگی ناایمن می‌تواند برای تبیین نگرش به خیانت به کار رود و افراد دارای دلبستگی ایمن تمایلی کمتری به خیانت در رابطه‌ی زناشویی دارند زیرا آن‌ها در روابط زناشویی‌شان احساس راحتی و اطمینان دارند که این احساس به

<sup>۱</sup> . Cardacts

<sup>۲</sup> . John Ballby

<sup>۳</sup> . attachment styles (secure, avoidant and ambivalent / anxiety)

<sup>۴</sup> . Cohen



عنوان مانعی برای شروع روابط جنسی فرازناشویی عمل خواهد کرد (جینفریو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). دلبستگی اجتنابی با الگوهای فعال‌سازی دیگران در روابط مرتبط است و افراد دارای این سبک، آسیب‌پذیری را انکار می‌کنند و ادعا می‌کنند که نیازی به روابط نزدیک ندارند و ترس از صمیمیت دارند. بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی تمایل دارند که از صمیمیت و فراز و فرودهای هیجانی بیمناک باشند، اعتماد کردن به دیگران را مشکل می‌یابند و از نزدیک شدن زیاد به دیگران نگرانند. شرکای زندگی اجتنابی معمولاً این باور را ندارند که عشق رمانتیک دوام دارد. آنان حدود ۲۵٪ از جمعیت را تشکیل می‌دهند (رفیعی، حاتمی و همکاران، ۱۳۹۰). دلبستگی اضطرابی با الگوی فعال‌سازی خود در روابط مرتبط است، یعنی این افراد گرایش دارند که الگوی ضعیفی از خودشان در روابط داشته باشند، این افراد نگرانند که دوست داشته نشوند یا ترک شوند و در جستجوی اطمینان آفرینی مجدد و تجربه‌ی عاطفی منفی اند. بزرگسالان با سبک دلبستگی اضطرابی / دوسوگرا عشق را به صورت یک وسواس توصیف می‌کنند و تمایل دارند روابط رمانتیکی را تجربه کنند که به وسیله‌ی فراز و فرودهای هیجانی، حسادت بیش از حد و تمایل قوی برای پیوند هیجانی، مشخص می‌گردد (پیترماناکو و بارت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). هان و فینچمن<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) گزارش کردند کسانی که مرتکب پیمان‌شکنی زناشویی می‌شوند دچار آشفتگی هیجانی اند زیرا گرایش به اخلاقی بودن با آسیب زدن به دیگران و به ویژه همسر ناسازگاری دارد (اتکینز، مارین، لو، کلان و هالوگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰، نقل از کیانی پور، محسن زاده و زهراکار، ۱۳۹۶).

یکی از مؤلفه‌هایی که بر روی کیفیت زناشویی اثر می‌گذارد و می‌تواند به عنوان متغیر تعدیل‌گر برای ممانعت افراد از اقدام به خیانت، عمل کند؛ نظام‌های ارزشی و عقیدتی زوجین و نیز تشابه‌ها و تفاوت‌های باورها و ارزش‌ها در این مقوله است. پژوهشگران بسیاری بر رابطه‌ی بین مذهبی بودن (باور به دین) و رضایت زناشویی تاکید کرده‌اند (فراحی، ابراهیم آباد،

<sup>۱</sup>. Ginefrio

<sup>۲</sup>. Petermanaco and Bart

<sup>۳</sup>. Han and Finchman

<sup>۴</sup>. Marin, Lou, kalan and Halogen

فراخی، کاشانی و توکلی، ۱۳۹۵). مذهب<sup>۱</sup> سیستم سازمان یافته‌ای از باورها شامل ارزش‌های اخلاقی، رسوم، مشارکت در جامعه دینی برای اعتقاد راسخ‌تر به خدا یا یک قدرت برتر است. مذهب از موثرترین تکیه‌گاه‌های روانی به شمار می‌رود که قادر است معنای زندگی را در لحظه لحظه‌های عمر فراهم کند و در شرایط خاص با فراهم سازی تکیه‌گاه تبیینی، فرد را از تعلیق و بی‌معنایی نجات دهد. باورهای مذهبی شیوه مؤثری برای مقابله با مصایب و تجارب دردناک و نشانه‌های بیماری است. همچنین در زمان مشکلات و ناراحتی‌ها بر نحوه روابط انسانی اثر می‌گذارد (صدیقی، معصومی و شاه سیاه، ۱۳۹۴). انگیزه مذهبی دلیلی ابزاری و غیر ابزاری است که افراد در اعتقادات، باورها و اعمال مذهبی خود بیان می‌کنند. از دیدگاه آلپورت جهت‌گیری مذهبی یا انگیزه مذهبی به دو صورت درونی و بیرونی است. در جهت‌گیری مذهبی درونی ایمان به عنوان یک ارزش متعالی و یک تعهد انگیزش فراگیر نه وسیله‌ای، برای رسیدن به اهداف در نظر گرفته می‌شود. اما در جهت‌گیری مذهبی بیرونی، مذهب ابزاری برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت استفاده می‌شود (ملتفت و آذر بون، ۱۳۹۴).

پژوهش‌های بسیاری نیز به بررسی رابطه‌ی متغیرهای حوزه زناشویی و دینداری پرداخته‌اند. این تحقیقات رابطه مثبت و معناداری بین دینداری و مذهبی بودن با رضایتمندی زناشویی، سازگاری زناشویی، ثبات ازدواج، تقدس نگری به ازدواج، تعهد زناشویی، کارکرد خانواده، کیفیت ازدواج، عملکرد ازدواج، همدلی زناشویی، صمیمت زناشویی و مهارت حل تعارض یافته‌اند. همچنین دریافته‌اند دینداری و مذهبی بودن رابطه‌ای منفی و معنادار با احتمال طلاق و تعارض زناشویی (مارش و دالاز، ۲۰۰۱) دارد (هراتیان، جان بزرگی و آگاه هریس، ۱۳۹۴). مذهبی بودن، رویدادی آرام کننده است که در هنگام تعارض، برای زوج‌های مذهبی به خوبی عمل می‌کند؛ بدین نحو که عبادت کردن هیجان‌های خصمانه و تعامل‌های هیجانی را کاهش می‌دهد (هانلر و جنکز، ۲۰۰۵).

<sup>۱</sup> . Religion

<sup>۲</sup> . Marsh and Dallos

<sup>۳</sup> . Hanler and Jenks

می‌توان گفت نگرش به خیانت<sup>۱</sup> زناشویی در جوامع امروزی و نوین رخدادی شایع، و همه‌گیر است و جدی‌ترین مسئله‌ای است که پای زوجین را به درمان باز کرده است (کمالجو و همکاران، ۱۳۹۵). تعهد مربوط به نظام زناشویی است و با زیرپا گذاشتن آن با پدیده‌ی اجتماعی خیانت زناشویی مواجه خواهیم بود. این پدیده مانند سایر پدیده‌های اجتماعی، رویدادی چند بعدی است و عوامل متعددی در پیش‌بینی، ظهور و بروز آن نقش دارند، از جمله این عوامل با در نظر گرفتن سایر عوامل درون فردی، شخصیتی و محیطی و موقعیتی، نقش باورهای مذهبی و سبک‌های دلبستگی است. با توجه به اهمیت پایداری نظام خانواده در سلامت هر جامعه و وجود پژوهش‌های اندک در زمینه بررسی سبک‌های دلبستگی، باورهای مذهبی و نقش آن‌ها در نگرش به خیانت، این پژوهش با هدف بررسی نقش تعدیل‌گری باورهای مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متاهل طراحی و اجرا گردید. بر این اساس فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱. سبک‌های دلبستگی، نگرش به خیانت در زنان متاهل را پیش‌بینی می‌کند.
۲. باورهای مذهبی رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متاهل را تعدیل می‌کند.

## روش تحقیق

### جامعه آماری، نمونه، روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش زنان متاهل مراجعه‌کننده به سرای محله و خانه‌های سلامت منطقه ۳ تهران بودند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس ۱۵۲ زن متاهل انتخاب و پس از تشریح هدف پژوهش، جلب مشارکت شرکت‌کنندگان و اخذ رضایت آگاهانه، از آن‌ها خواسته شد تا به پرسش‌نامه‌های سبک دلبستگی، میزان عمل به باورهای دینی و نگرش به خیانت پاسخ دهند. به منظور بررسی داده‌ها و تجزیه و

<sup>۱</sup> . Attitude towards infidelity

تحلیل نتایج پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی همچون میانگین، انحراف معیار و میانه و همچنین از روش‌های آمار استنباطی، آزمون نرمال بودن کلموگروف اسمیرنف، آزمون کفایت نمونه‌گیری kmo، آزمون t و ماتریس همبستگی و تحلیل مدل معادلات ساختاری و نرم‌افزار PLS استفاده شد. ملاک‌های ورود آزمودنی‌ها به پژوهش عبارت بودند از: ۱. مطلقه نباشند، سابقه تاهل داشته باشند ۲. حداقل ۱۸ سال سن داشته باشند ۳. طبق گزارش آزمودنی، به بیماری روانی مبتلا نباشند.

### ابزارهای پژوهش

#### ۱. پرسشنامه سبک دلبستگی<sup>۱</sup> (RAAS):

این پرسش‌نامه توسط کولینز و رید<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۰ تبیین شد. این پرسش‌نامه شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خودتوصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی است و ۱۸ داده دارد که از طریق علامتگذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از نوع لیکرت) که از «۱. به هیچ‌وجه با خصوصیات من تطابق ندارد» تا «۵. کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد» سنجیده می‌شود. هر مقیاس شامل ۶ ماده است. برای گزینه‌های ۱ تا ۵ به ترتیب نمرات ۰ تا ۴ در نظر گرفته می‌شود. سوالات ۶، ۸، ۱۳، ۱۲، ۱۷ \* دلبستگی ایمن را می‌سنجند. سوالات ۵، ۲، ۱۶، ۱۴، ۷، ۱۸ \* دلبستگی اجتنابی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و سرانجام سوالات ۴، ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵ دلبستگی دو سوگرا / اضطرابی را می‌سنجد. کولینز و رید (۱۹۹۰، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند. با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است. از سوی دیگر در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون با استفاده از آزمون مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. این

<sup>۱</sup> . Attachment style scale (Collins and Reid)

<sup>۲</sup> . Collins and Reid





پرسش‌نامه در مورد ۱۰۰ دختر و پسر کلاس دوم دبیرستان که به‌طور تصادفی انتخاب شده بودند اجرا گردید. نتایج حاصل از دوبار اجرای این پرسش‌نامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که این آزمون در سطح ۰/۹۵ دارای اعتبار است. در این پژوهش پایایی به دست آمده با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ بود. نمونه‌ای از سوال‌های پرسش‌نامه: "به سختی به خودم اجازه می‌دهم که به دیگران وابسته باشم".

### ۲. پرسش‌نامه میزان عمل به باورهای دینی (آزمون معبد):

این پرسش‌نامه را گلزاری در سال ۱۳۷۹ تبیین کرده‌است. آزمون عمل به باورهای دینی ۲۵ سوالی، عمل به باورهای اسلامی را اندازه می‌گیرد. مواد آزمون در ۴ حوزه عمل به واجبات، عمل به مستحبات، فعالیت‌های مذهبی (عضویت در گروه‌های مذهبی و...) و در نظر گرفتن مذهب در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های زندگی قرار دارد. سوالات آزمون با توجه به رفتارهای دینی رایج در جوانان متدین به اسلام انتخاب شده است. هر سوال ۵ گزینه دارد که از صفر تا چهار نمره گذاری می‌شود. بنابراین نمره صفر به معنی عمل نکردن به هیچ یک از باورهای دینی و بیشترین نمره (۱۰۰) نشان دهنده عمل به همه باورهای دینی به حساب می‌آید. در این پژوهش پایایی به دست آمده با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ بود. نمونه‌ای از سوال‌های پرسش‌نامه: "دین واقعا برایم مهم است چون به بیشتر سوالات زندگی‌ام پاسخ می‌دهد".

### ۳. پرسش‌نامه نگرش به خیانت (ATIS)<sup>۱</sup>:

این مقیاس را ویتلی<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) برای بررسی نگرش‌های مربوط به روابط فرازناشویی ساخته‌است. این مقیاس شامل ۱۲ گویه است که در طیف ۷ درجه‌ای از به‌شدت موافقم (نمره ۷) تا به‌شدت مخالفم (نمره ۱) نمره‌گذاری شده است (سیدعلی‌تبار، قنبری، زاده محمدی و حبیبی، ۱۳۹۳). کمینه نمره‌ای که فرد می‌تواند در این مقیاس به‌دست آورد ۱۲ و بیشینه آن ۸۴ است. نمره بالاتر در این مقیاس به معنای نگرش سهل‌گیرانه‌تر به روابط فرازناشویی است.

<sup>۱</sup> . Attitude towards infidelity scale

<sup>۲</sup> . Whatley

ضریب همسانی درونی این مقیاس ۰/۸۰ برآورد شده است. تنها عامل این مقیاس "روابط فرازناشویی" نام دارد و برای ۱۹,۲۴٪ از واریانس‌ها مورد محاسبه قرار گرفت (ویتلی، ۲۰۰۸). در این پژوهش پایایی به‌دست آمده با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۰ بود. نمونه‌ای از سوال‌های پرسش‌نامه: "خیانت به کسی آسیب نمی‌زند".

### یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر میانگین و انحراف استاندارد سنی شرکت‌کنندگان ۳۳/۱۹ (۱/۶۲) بود. ۱۸ نفر از شرکت‌کنندگان (۱۱,۸ درصد) دارای مدرک دیپلم و زیر دیپلم، ۱۱ نفر (۷,۲ درصد) کاردانی، ۸۸ نفر (۵۷,۹ درصد) دارای مدرک کارشناسی و ۳۵ نفر (۲۳ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و همبستگی بین متغیرهای پژوهش (N=152)

متغیر	M	SD	S	K	۱	۲	۳	۴	۵
۱. سبک دل بستگی ایمن	۲۵/۴۱	۵/۱۸	-۰/۳۸	-۰/۵۱	۱				
۲. سبک دل بستگی اجتنابی	۱۶/۶۸	۴/۹۲	۰/۰۵	۰/۹۲	-۰/۷۵۵**	۱			
۳. سبک دل بستگی دوسوگرا/ اضطرابی	۲۵/۷۷	۷/۱۴	-۰/۲۱	-۰/۵۳	-۰/۱۶۷*	۰/۲۲۸**	۱		
۴. باورهای مذهبی	۶۲/۰۱	۱۱/۹۸	۰/۰۱	-۰/۰۳	۰/۲۶۴**	-۰/۱۹۹**	-۰/۲۱۱**	۱	
۵. نگرش به خیانت	۱۷/۶۶	۴/۹۸	-۰/۲۴	-۰/۵۵	-۰/۷۲۵**	۰/۷۴۹**	۰/۱۸۹**	-۰/۳۳۸**	۱

\*P&gt;0/05

\*\*P&gt;0/01



در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی کل نمونه بررسی شده است. دو آماره کجی و کشیدگی نشان می‌دهد که توزیع پراکندگی داده‌ها در هر متغیر نرمال است. همچنین از آنجا که مبنای تجزیه و تحلیل مدل‌ها ماتریس همبستگی است، ماتریس همبستگی متغیرهای تحت بررسی در جدول ۱ آمده است. با توجه به جدول بین باورهای مذهبی با سبک دل‌بستگی ایمن رابطه مثبت و با سبک دل‌بستگی اجتنابی و سبک دل‌بستگی دوسوگرا/اضطرابی رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین بین نگرش به خیانت با سبک دل‌بستگی ایمن رابطه منفی و با سبک دل‌بستگی اجتنابی و سبک دل‌بستگی دوسوگرا/اضطرابی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین نگرش به خیانت و باورهای مذهبی رابطه منفی معناداری وجود دارد.

جدول ۲. آزمون نرمال بودن کلموگروف اسمیرنوف

عوامل	آماره	سطح معنی داری
دل‌بستگی ایمن	۰,۲۴	بیشتر از ۰,۰۵
دل‌بستگی اجتنابی	۰,۱۹	بیشتر از ۰,۰۵
دل‌بستگی دوسوگرا/اجتنابی	۰,۲۵	بیشتر از ۰,۰۵
نگرش به خیانت	۰,۱۰۱	بیشتر از ۰,۰۵

فرض صفر آزمون کلموگروف اسمیرنوف، نرمال بودن داده‌هاست و اگر سطح معنی‌داری آزمون از ۰/۰۵ بیشتر باشد آنگاه داده‌ها نرمال اند.

#### آزمون تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی:

شاخص KMO معیاری برای «کفایت نمونه‌گیری» است. به عبارت دیگر، با بهره‌گیری از شاخص KMO، به این مسئله پرداخته می‌شود که «آیا نمونه‌گیری مناسبی از متغیرها (براساس همبستگی دو به دو معرف‌ها و همبستگی جزئی آنها) به عمل آمده است یا خیر؟».

هر چه اندازه شاخص KMO به ۱ نزدیک تر باشد، «کفایت نمونه‌گیری» بهتری در انتخاب معرف‌ها (متغیرهای آشکار) وجود داشته است. نقطه برش اندازه شاخص KMO برای «کفایت نمونه‌گیری» ۰/۶ بیان شده است یعنی اگر شاخص KMO بالاتر از ۰/۶ یا ترجیحاً بالاتر از ۰/۷ باشد، ملاک «کفایت نمونه‌گیری» برآورد شده است و اگر پایین‌تر از آن باشد به این معنی است که ملاک «کفایت نمونه‌گیری» برآورد نشده است.

جدول ۳. نتایج آزمون بارتلت و شاخص KMO برای متغیرهای پژوهش

متغیر	KMO	آزمون بارتلت	نتیجه
		آماره کای دو	سطح معنی داری
دلبستگی ایمن	۰,۷۱۲	۱۰۳۴,۳	۰,۰۰۰
دلبستگی اجتنابی	۰,۷۰۱	۹۱۱,۳	۰,۰۰۰
دلبستگی دوسوگرا/اجتنابی	۰,۷۳۲	۴۰۴,۳	۰,۰۰۰
نگرش به خیانت	۰,۷۰۵	۳۲۳,۵	۰,۰۰۰

برای همه متغیرهای این پژوهش مقادیر معیار KMO بالاتر از ۰/۷ به دست آمده است و نیز سطح معنی‌داری آزمون بارتلت کمتر از ۰/۰۵ است که نشان از برآورده شدن کفایت نمونه‌گیری است.

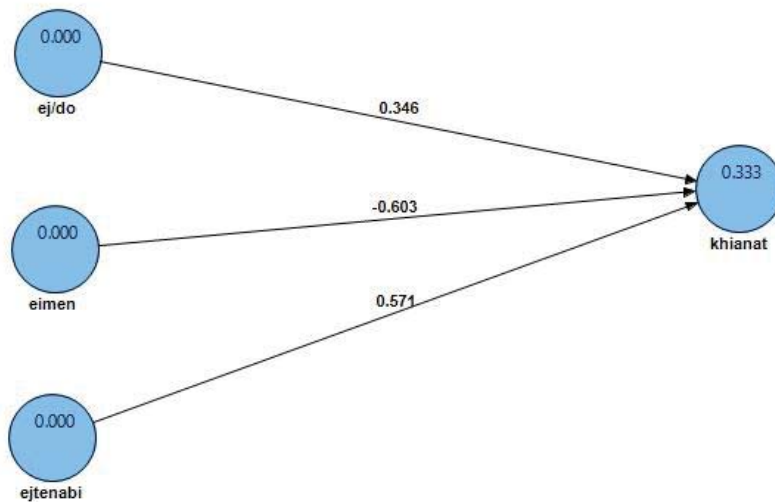
جدول ۴. اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرها در مدل برازش شده

مسیرهای موجود در الگو	بدون تعدیل‌گر	با تعدیل‌گر	R <sup>2</sup>
	ضریب t	ضریب t	
نگرش به خیانت از:			
سبک دلبستگی ایمن	-۰,۶۰۳	۲,۷۸	۰/۶۳
سبک دلبستگی اجتنابی	۰,۵۷۱	۲,۱۹	
		۱,۶۱	
		۲,۵۹	



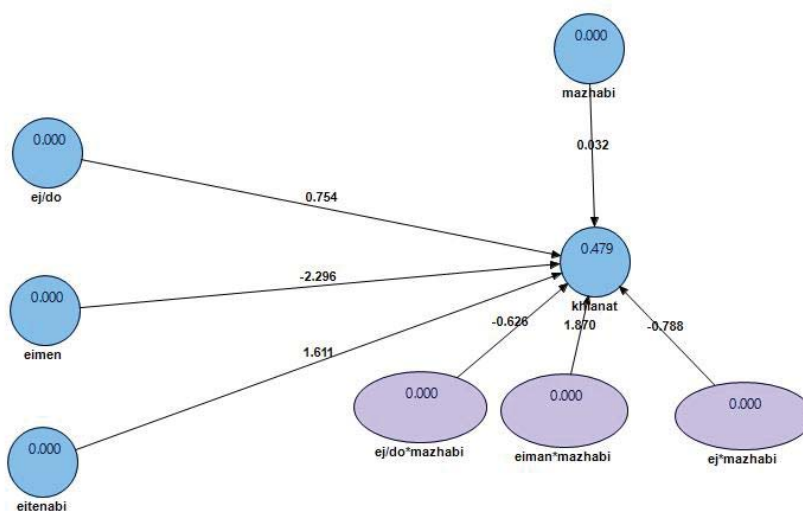
سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی	۰,۳۴۶	۱,۲۱۸	۰,۷۵	۱,۰۲
-----------------------------	-------	-------	------	------

جدول ۴ نشان دهنده اثر متغیرها با وجود تعدیل‌گر و بدون آن بر نگرش به خیانت است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود سبک دلبستگی ایمن با تعدیل‌گر یا بدون آن بالاترین اثر را دارد؛ پس از آن سبک دلبستگی اجتنابی (۰/۵۷۱) بدون تعدیل‌گر و (۱/۶۱) با تعدیل‌گر و سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی (۰/۳۴۶) بدون تعدیل‌گر و (۰/۷۵) با تعدیل‌گر به ترتیب دارای بیشترین اثر مستقیم بر نگرش به خیانت اند؛ نتایج مدل ضرایب مستقیم در جدول نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا/اضطرابی) و باورهای مذهبی رابطه معناداری وجود دارد و ۹ درصد از واریانس باورهای مذهبی بر اساس سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا/اضطرابی) تبیین شده است. همچنین بین سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا/اضطرابی) و باورهای مذهبی با نگرش به خیانت رابطه معناداری وجود دارد و ۶۳ درصد از واریانس نگرش به خیانت بر اساس سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا/اضطرابی) و باورهای مذهبی تبیین شده است.



نمودار ۱. مدل تحلیل مسیر پس از محاسبه ضرایب مسیر میان متغیرها (بدون تعدیل‌گر)

این نمودار، رابطه میان متغیرها را بدون حضور متغیر باورهای مذهبی به عنوان تعدیل‌گر نشان می‌دهد. در این مدل رابطه میان دل‌بستگی ایمن و نگرش به خیانت منفی ( $-۰/۶۰۳$ ) است و نشان می‌دهد که این سبک از دل‌بستگی نگرش به خیانت را کاهش می‌دهد. ولی ضریب مسیر دو دل‌بستگی دیگر مثبت است و می‌توان گفت رابطه مستقیمی با نگرش به خیانت دارند.



نمودار ۲. مدل تحلیل مسیر پس از محاسبه ضرایب مسیر میان متغیرها با تعدیل‌گر

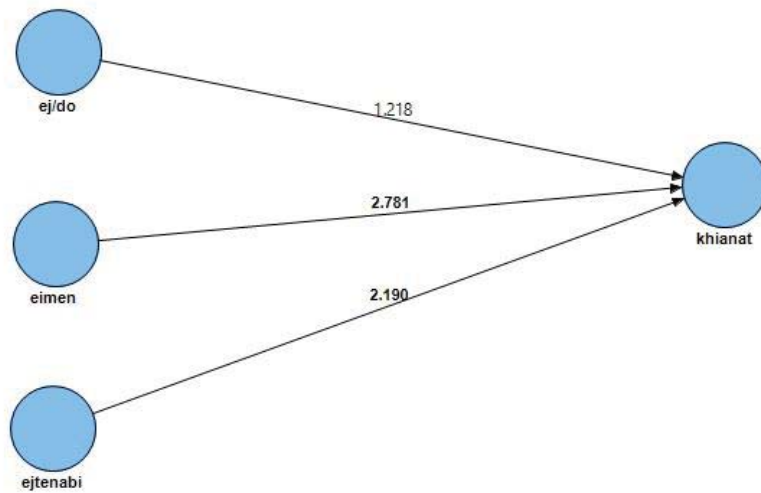
در نمودار دوم، متغیر باورهای مذهبی به عنوان متغیر تعدیل‌گر برای تک‌تک رابطه‌ها اعمال شده است و این متغیر رابطه‌های نمودار ۱ را تعدیل کرده است.

هنوز هم دل‌بستگی ایمن، رابطه منفی خود با نگرش به خیانت را حفظ کرده است با این تفاوت که مقدار قدر مطلق ضریب مسیر افزایش چشمگیری داشته که نشان از آن دارد که باورهای مذهبی رابطه معکوس بین دل‌بستگی ایمن و خیانت را تقویت کرده است. به این معنی که با داشتن سبک دل‌بستگی ایمن، نگرش به خیانت کم است ولی در این افراد با تقویت باورهای مذهبی این نگرش به صورت چشمگیری کاهش خواهد یافت.

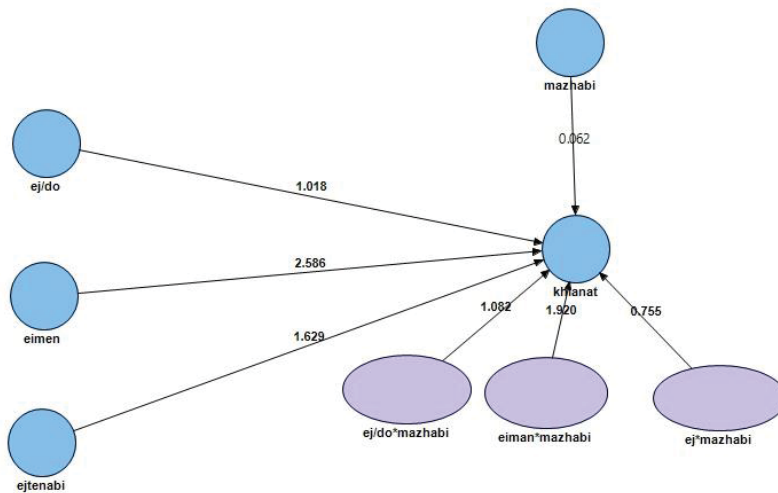
در مورد دل‌بستگی اجتنابی و دل‌بستگی اجتنابی دوسوگرا با تعدیل‌گری باورهای مذهبی، هنوز هم رابطه مستقیم است و باورهای مذهبی نتوانسته تعدیل‌گر این رابطه باشد.



البته بحث دقیق‌تر با ارایه نمودار ۳ مسیرها میسر می‌شود.



نمودار ۳. مدل تحلیل مسیر پس از محاسبه  $t$  مسیر میان متغیرها بدون تعدیل‌گر



نمودار ۴. مدل تحلیل مسیر پس از محاسبه ضرایب  $t$  مسیر میان متغیرها با تعدیل‌گر

با مقایسه مقدار  $t$  مسیرها با یا بدون تعدیل‌گر:

دلبستگی ایمن در دو نمودار معنی‌دار است زیرا مقدار  $t$  آن از  $1/96$  بیشتر است ولی دلبستگی اجتنابی پیش از ورود تعدیل‌گر معنی‌دار بوده با مقدار  $t=2/19$  که با ورود تعدیل‌گر، مقدار  $t$  آن به  $1/629$  تغییر یافته و در نتیجه باورهای مذهبی توانسته رابطه مستقیم و معنی‌دار میان دلبستگی اجتنابی و نگرش به خیانت را تعدیل کرده و این رابطه را بی‌معنی کند. به این معنی که با افزایش باورهای مذهبی، نگرش افرادی با سبک دلبستگی اجتنابی به خیانت به طور چشمگیری کاهش می‌یابد.

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل

SRMR	RMSE	AGFI	GFI	CFI	X <sup>2</sup> /df
۰/۰۳۵	۰/۰۴۳	۰/۸۹	۰/۹۲	۰/۹۲	۱/۲۶

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر  $0/92$ ، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (CFI) برابر  $0/92$  است. اندازه‌ی شاخص‌های حاصل از بررسی برازش مدل ساختاری حاکی از برازش مدل خوب است. تقریب ریشه میانگین مجذور خطا (RMSEA)  $0/043$  به دست آمده و کمتر از میزان  $0/08$  است و این شاخص نیز بیانگر برازش خوب مدل است.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به خیانت در زنان متأهل، رابطه منفی و معنادار وجود دارد و باورهای مذهبی، این رابطه را تعدیل کرده و به میزان چشمگیری منفی‌تر می‌کند. از نتایج این پژوهش پیش‌بینی سبک دلبستگی ایمن و نگرش به خیانت در زنان متأهل است. در این پژوهش بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و نگرش به خیانت در زنان متأهل، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ولی با ورود باورهای مذهبی به عنوان تعدیل‌گر، رابطه مستقیم سبک‌های دلبستگی اجتنابی و نگرش به خیانت بی‌معنی می‌شود. همچنین



باورهای مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متاهل، نقش تعدیل‌گر را ایفا می‌کند. نتایج برازش مدل نشان داد که مدل با داده‌های جامعه منطبق است و برازش مناسبی دارد و تمام مسیرهای ارائه شده در مدل معنادار بودند.

نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات حبیبی و همکاران (۱۳۹۴)، یوسفی و همکاران (۱۳۹۵)، لوپز و برنان<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، بلاغت و همکاران (۱۳۹۵) همسوست. در تبیین این نتایج می‌توان گفت: افراد با سبک دلبستگی ایمن باورها و ارزش‌های مذهبی درونی شده‌ی عمیق‌تری دارند که این ایمن بودن پایبندی آن‌ها را به این عقاید و باورها بیشتر و محکم‌تر می‌کند و مانع انحرافات اخلاقی و رفتاری از جمله خیانت زناشویی در آنان می‌شود. افراد با سبک دلبستگی اضطرابی به لحاظ وجود ناامنی روان‌شناختی قادر به کسب و درونی‌سازی باثبات ارزش‌های مذهبی در خود نخواهند بود و این عامل موجب فراهم آمدن بستری برای بروز نگرش به خیانت خواهد بود. افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی روش‌های منفی را برای خود و روش‌های مثبت را برای دیگران می‌خواهند، محققان دلیل این‌گونه رفتارهای اضطرابی را نیاز شدید این افراد به تایید دیگران می‌دانند که در نتیجه نگرانی از طرد و رها شدن به دلیل داشتن تصور منفی از خود ایجاد شده است. میکولینسر و شاور<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) گزارش کرده‌اند افراد با این نوع سبک دلبستگی خودتنظیمی اندکی دارند و هرچه انگیزه‌های مذهبی درونی‌تر شود، تضاد سبک دلبستگی اضطرابی با آن بیشتر می‌شود، چراکه این افراد می‌ترسند با پذیرش خودشان دیگران را از دست بدهند؛ بنابراین خود ضعیفی را رشد داده‌اند. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی بستر مناسبی برای دوری از هرگونه تعلق خاطر به عقاید و باورهای مذهبی فراهم خواهد آورد. افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی دارای تعهد پایینی هستند و همچنین فقدان شایستگی این افراد را به دیگران نشان می‌دهد. این افراد از رودرویی با مشکلات طرفه می‌روند؛ چراکه احساس فقدان شایستگی داشته و انگیزه‌های بیرونی‌تری در

<sup>۱</sup>. Lopez and Brennan

<sup>۲</sup>. Mikulincer, Shaver

انجام کارهای خود دارند. کرک<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) معتقد است که افراد دلبسته‌ی اجتنابی خدا را دور از دسترس می‌پندارند و دارای انگیزه‌های مذهبی-بیرونی اند. پژوهشگران با در نظر گرفتن اینکه دینداری و مذهب به عنوان دلبستگی عاطفی به خدا مطرح است، در سوالات و فرضیه‌های پژوهشی خود درصدد یافتن رابطه دلبستگی و مذهب اند. نظریه دلبستگی می‌تواند ارتباط بین مذهب و سلامت روان را توضیح دهد و نشان دهد که دلبستگی ایمن به خدا، ارتباط مثبتی با سلامت روانشناختی دارد (فلانلی و گالک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). ارتباط بین سبک دلبستگی ایمن و تصویرسازی ذهنی عشق به خدا مثبت است و سبک دلبستگی ناایمن، ارتباطی با وابستگی‌های مذهبی افراد ندارد. در هر حال، بیشتر پژوهش‌ها بین دلبستگی ایمن و دینداری ارتباط مثبت نشان داده‌اند (نیک منش و همکاران، ۱۳۹۵).

وجود شباهت ارزش‌های دینی در میان زوجین و همچنین پابندی آن‌ها به ارزش‌های مذهبی و باورهای غنی، می‌تواند عامل حفظ و تداوم روابط صمیمانه و طولانی مدت باشد و عکس قضیه نیز صادق است. یکی از عوامل مؤثر در بروز ناسازگاری زناشویی و تمایل به روابط خارج از ازدواج عدم پابندی خانواده‌ها به ارزش‌های مذهبی و یا وجود تفاوت‌های ارزشی شدید در سطوح مختلف است. در دو دهه اخیر و با گسترش مباحث مربوط به روان‌شناسی، دین با نقش مثبتی که در سالم سازی و کامل سازی انسان و ایجاد جامعه سالم و رو به رشد دارد، توجه بسیاری از روان‌شناسان را برانگیخته است و در جایگاه نظام پیچیده اجتماعی اثر بحران‌های شدید زندگی را تعدیل می‌کند. از آنجایی که دو نهاد مذهب و خانواده ارزش‌های مشابهی را مورد تأکید قرار می‌دهند و برای تقویت اجتماعی شدن به هم وابسته اند، می‌توان نقش دین در زندگی اجتماعی را به عنوان یک متغیر کنترل کننده در نظر گرفت. در واقع، اعتقاد و التزام زوجین به باورها و ارزش‌های خاص ایرانی-اسلامی در حوزه خانواده و ازدواج می‌تواند نقش مهمی در حفظ و تداوم میزان پابندی و وفاداری آنان نسبت به همسر و ازدواجشان ایفا نماید و همچنین باور و تعهد به ارزش‌ها، موجب کاهش احتمال بروز

<sup>۱</sup>. kerk

<sup>۲</sup>. Flannelly, K.J.& Galek

آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی شایع در جامعه امروز از جمله خیانت شود (ملازاده و همکاران، ۱۳۸۸، نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۹۵). پژوهش عباسی، احمدی، فاتحی زاده و بهرامی (۱۳۹۵) نیز نشان داد که مفهوم تعهد که تأثیر محافظت‌کننده آن در پژوهش‌های متعدد تایید شده است، می‌تواند در کاهش و پیشگیری معضلات و آسیب‌های مختلف حوزه خانواده مانند عهدشکنی زناشویی مؤثر باشد.

نتایج پژوهش‌های مختلف در حوزه‌ی خیانت نشان می‌دهد که افراد با سبک دلبستگی ایمن کمترین تمایل را به خیانت زناشویی دارند زیرا از بودن در رابطه زناشویی‌شان احساس آرامش و اطمینان و رضایت دارند که این خود به عنوان یک مانع محکم در برابر خیانت در روابط زناشویی عمل می‌کند. از طرفی افراد با سبک دلبستگی نایمن (اجتنابی، اضطرابی/دوسوگرا) بیشترین کشش را به داشتن نگرش به خیانت دارند (رضوانی زاده و همکاران، ۱۳۹۵). آلن و باکوم<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) براین باورند که سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با انگیزش برای خیانت در ارتباط اند. همچنین افراد با سبک دلبستگی اضطرابی و به‌خصوص زنان به احتمال بیشتری درگیر خیانت می‌شوند. افراد با سبک دلبستگی نایمن احساس می‌کنند که همسرانشان نیازهای آنان را ارضا نمی‌کنند، بنابراین پایان بخشیدن به روابط زناشویی منطقی به نظر می‌رسد، افراد با سبک دلبستگی اضطرابی به شدت در روابط سرمایه‌گذاری می‌کنند و ارزشمندی خودشان را وابسته به همسر، تایید او و ارتباط با همسرشان می‌دانند (دونوان، ۲۰۱۰). دلبستگی و چند سازه‌ی مربوط به آن پیش‌بین‌های سودمندی برای درگیری در خیانت زناشویی اند؛ به‌ویژه زنان مضطرب ممکن است با احتمال بیشتری درگیر خیانت زناشویی شوند (بوغارت و سیداوا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). در مقابل مردان اجتنابی به‌طور اخص احتمال بیشتری دارد که خیانت زناشویی را گزارش دهند. افراد دوسوگرا به دلیل احساس اضطراب و طردشدگی و به دلیل چسبندگی شدید و احساس خطر دائمی از بی‌وفایی همسر، بیش از حد برای همسر خود مزاحمت روان‌شناختی ایجاد می‌کنند و با کنترل و

<sup>۱</sup>. Allen and Baucom

<sup>۲</sup>. Bogaert, Sadava

چسبندگی دائمی به همسر، آزادی‌ها و استقلال همسر خود را سلب می‌کنند و در نتیجه صمیمیت زناشویی کاهش می‌یابد (خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۳). سبک دلبستگی اجتنابی در مقایسه با ایمن، علاقه کمتری به ایجاد روابط رمانتیک و تجربه صمیمیت نشان می‌دهد، این بی‌علاقگی در تعهدپذیری‌های طولانی مدت به اوج خود می‌رسد (اسکندری، ۱۳۹۵).

مشکلات ناشی از خیانت و بی‌وفایی زوجین فقط محدود به روابط بین آن‌ها نمی‌شود و تمام اعضای خانواده را در برمی‌گیرد و بر روی زندگی آینده فرزندانشان اثرگذار خواهد بود. با توجه به اهمیت این موضوع لازم است از کودکی به شکل‌گیری سبک دلبستگی فرزندانمان اهمیت ویژه‌ای دهیم تا با شکل‌گیری سبک دلبستگی ایمن در آن‌ها با عقاید و باورهای مذهبی، مانعی محکم بر سر راه شکل‌گیری نگرش به خیانت بگذاریم. چراکه با افزایش میزان بی‌وفایی و خیانت در بین همسران، در صورت تداوم و افزایش این آمار در آینده‌ای نه چندان دور شاهد ابتدال خانواده‌ها به عنوان اصلی‌ترین بنیاد اجتماعی خواهیم بود. بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر با ارائه یک مدل ساختاری، شواهد تجربی مناسبی را در تایید نقش تعدیل‌گر باورهای مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت فراهم می‌آورد و نیز نقش این متغیرها را در کاهش روابط فرازناشویی و نگرش به خیانت روشن می‌کند.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود: محدود بودن جامعه آماری که فقط زنان متاهل را شامل می‌شد، می‌تواند در تعمیم نتایج سوگیری ایجاد کند. کثرت سوالات و زمان‌بر بودن تکمیل پرسش‌نامه از دیگر محدودیت‌های پژوهش بود. در نهایت پیشنهاد می‌شود این پژوهش بر روی مردان هم اجرا شود و همچنین با در نظر گرفتن اهمیت این موضوع لازم است در سطح خرد و کلان جامعه، کلاس‌های آموزشی در زمینه نحوه ارتباط موثر با همسر، افزایش صمیمیت بین زوجین، آموزش زوجین پیش از والد شدن و نحوه تعامل با فرزند برای پیش‌گیری از شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی ناپایمن، ارائه راهکارهای عملی و علمی توسط مشاور، به کارگیری مفاهیم دینی در مشاوره و روان‌درمانی و گرفتن مشاوره مستمر برای ایجاد و هدایت نظام خانواده و آشنایی زوجین با وظایف خود و یادگیری اصول و مهارت‌های ایجاد و حفظ رابطه و مؤلفه‌های هیجانی در زندگی مشترکشان، برای پیشگیری و حل مشکلات



زناشویی زوجین اجرا و عملی گردد و با توجه به نقش تعدیل‌گر باورهای مذهبی، به ارائه سیاست‌هایی در باب توسعه آموزش و فرهنگ سازی در زمینه مذهب و آموزش زندگی ایرانی-اسلامی پرداخته شود.

## منابع

- اسکندری، حسین؛ هادی، سعیده؛ سهرابی، فرامرز؛ معتمدی، عبدالله و فرخی، نورعلی. (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی در افراد مرتکب بی‌وفایی زناشویی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۵(۶۰)، ۴۲-۵۹.
- بلاغت، رضا؛ احمدی، هادی و گلزاری مقدم، نجمه. (۱۳۹۵). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی با تعهد زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان. *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۰(۳۲)، ۱۸۷-۲۰۸.
- پیروی، مریم و بهرامی، هادی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه زوجین و سازگاری زناشویی در دانشجویان متأهل واحد علوم تحقیقات تهران. *رویش روانشناسی*، ۱(۶)، ۱۳۱-۱۵۸.
- پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی*، پایان‌نامه دکتری روانشناسی، دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران، ایران.
- حبیبی عسگرآباد، مجتبی و حاجی حیدری، زهرا. (۱۳۹۴). علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده: یک مطالعه کیفی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۱، ۱۶۵-۱۸۶.
- حجت خواه، سید محسن؛ محمدی، مژده و ولدییگی، پیمان. (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و بخشودگی با نگرش به روابط فرازناشویی در متأهلین شهر کرمانشاه. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۴(۴)، ۲۰۹-۲۲۸.
- Abbasi, H., Ahmadi, S. A., Fatehi zadeh, M., & Bahrami, F. (2016). The effect of glaser's reality therapy on personal commitment of couples. *Pathology, counseling and family enrichment*, 2(1), 39-53. [Text in Persian]
- Alavi lavasani, A., & Ahmadi thouri, M. (2017). Association between maltreatment in childhood and emotional divorce: Mediating role of attachment styles, early maladaptive schemas and difficulty in emotional regulation. *JHPM*, 6(4), 49-58. [Text in Persian]
- Alitabar, H., Pouravari, M., Askarabad, M., & Alipour, Z. (2015). The comparison



- of attitudes toward infidelity and religious orientation in Facebook social network users and non-users. *Journal of Family Research*, 11(3), 297-308. [Text in Persian]
- Alitabar, S. H., Ghanbari, S., Mohammadi Zadeh, A., & Habibi, M. (2015). The relationship between premarital sex and attitudes toward infidelity. *Journal of Family Research*, 10(2), 255-267. [Text in Persian]
- Atkins, D. C., & Kessel, E. D. (2008). Religiousness and infidelity: Attendance, but not faith and prayer, predict marital fidelity. *Journal of Marriage and Family*, 70(2), 407-418.
- Allen, E. S., & Baucom, D. H. (2004). Adult attachment and patterns of extradyadic involvement. *Family Process*, 43, 467-488.
- Belaghat, R., Ahmadi, H., & Golzari Moghadam, N. (2016). Investigating the relationship between religious orientation and moral intelligence with marital commitment of married students of Sistan and Baloochestan University. *Journal of Research in Educational Systems*, 10(32), 187-208. [Text in Persian]
- Bogaert, A. F., & Sadava, S. (2002). Adult attachment and sexual behavior. *Personal Relationships*, 9(2), 191-204.
- Buunk, B. P. & Bakker, A. B. (1995). Extra dyadic Sex: The role of descriptive and injunctive norms. *Journal of Sex Research*, 32(4), 313-318.
- Byers, E. S. (1996). How well does the traditional sexual script explain sexual coercion? Review of a program of research. *Journal of Psychology and Human Sexuality*, 8(1-2), 7-25.
- Bjerke, E., Hansen, R. S., Solbakken, O. A., & Monsen, J.T. (2011). Interpersonal problems among 988 norwegian psychiatric outpatients. A study of pretreatment self-reports. *Comprehensive Psychiatry*, 52, 273-279.
- Cohen, A. B. (2005). The relation of attachment to infidelity in romantic relationship: an exploration of attachment style, perception of partner's attachment style, relationship satisfaction, relationship quality and gender differences in sexual behaviors. *Institute of advanced psychological studies, adelphy university*.
- Doherty, R.W., Hatfield, E., Thompson, K., & Choo, P. (1994). Cultural and ethnic influences on love and attachment. *Personal Relationships*, 1(4), 391-398.
- DeWall, C. N., Lambert, N. M., Slotter, E. B., Pond Jr, R. S., Deckman, T., Finkel, E. J., ... & Fincham, F. D. (2011). So far away from one's partner, yet so close

- to romantic alternatives: Avoidant attachment, interest in alternatives, and infidelity. *Journal of personality and social psychology*, 101(6), 1302-1316.
- Eskandari, H., Sohrabi, F., Moatamedy, A., & Farrokhi, N. (2017). Relationship between attachment styles and marital commitment in people with marital infidelity. *JCR*, 15(60), 42-59. [Text in Persian]
- Flannelly, K. J., & Galek, K. (2010). Religion, evolution, and mental health: Attachment theory and ETAS theory. *Journal of Religion Health*, 49, 337-350.
- Golzari, M. (2001). *Construct and Validate the Assessment of Behavioral Personality Traits of Religious People and The Relationship Between These Characteristics and Mental Health*. Ph. D Thesis, Alaame Tabatabaee University.
- Habibi Askarabad, M., & Hajiheydari, Z. (2015). A qualitative study for investigating the reasons of sexual infidelity of couples who have asked for divorce in family court. *Journal of Family Research*, 11(2), 165-186. [Text in Persian]
- Haratian, A., Janbozorgi, M., & Agahharis, M. (2016). The relationship between religious adherence and marital conflict and their differences among the couples. *The Islamic Journal of Women and The Family*, 2(5), 101-117. [Text in Persian]
- Hatfield, E., & Rapson, R. L. (1996). Stress and passionate love. In: Spielberger CD, Sarason IG, Eeditors. *Stress and Emotion: Anxiety, Anger, & Curiosity*. New York, NY: Taylor & Francis Group, 16, 29-50.
- Hansen, G. L. (1987). Extra dyadic relations during courtship. *Journal of Sex Research*, 23, 382-390.
- Hedayati, M., & Begi, S. (2016). Determining the relationship between styles of devotion and espousal satisfaction by the index of sexual functioning of women. *Women Studies*, 7(16), 127-141. [Text in Persian]
- Hojatkhah, M., Mohammadi, M., & Valadbaygi, P. (2016). The relationship between attachment styles, personality traits, and forgiveness to the attitude towards extramarital relations in the married couples of the city of Kermanshah. *Journal of Women Social and Psychological Studies*, 14(4), 209-228. [Text in Persian]
- Hunler, O.S., & Gencoz, T. (2005). The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role marital problem solving between



- religiousness and marital satisfaction relationship. *Contemporary Family Therapy*, 27(1), 123-136.
- Jeanfreau, M. (2009). A qualitative study investigating the decision – making process of women, participation in marital infidelity. kansas state university.
- Karami, J., Zakiei, A., Mohamadi, O., & Haghshenas, Sh. (2015). Role of psychological and sociological factors on predicting attitude toward marital infidelity among married women. *Journal of Women Social and Psychological Studies*, 13(3), 129-152. [Text in Persian]
- Khojasteh Mehr, R., Ahmadi Milasi, M., & Sodani, M. (2014). The moderating role of religious commitment on the relationship between insecure attachment styles and marital intimacy. *Contemporary psychology*, 9(1), 43-54. [Text in Persian]
- Kianipour, O., Mohsenzadeh, F., & Zaharakar, K. (2018). Comparison of schema therapy and narrative therapy when combined each of them with marital enrichment program on marital infidelity tendency and marital satisfaction. *Family Counseling and Psychotherapy*, 7(2), 27-54. [Text in Persian]
- Kirkpatrick, L. A. (2005). Attachment, evolution, and the psychology of religion. *New York: Guilford*.
- Moltafet, G., & Azarbon, B. (2015). The prediction of life satisfaction based on family communication patterns mediated by religion motivation. *Journal Management System*, 6(20), 17-36. [Text in Persian]
- Momeni Javid, M., Shoaakazemi, M., Ebrahimi Tazekand, F., & Bahmanid, N. (2012). The effect of interpersonal therapy on reducing negative feelings, the degree of forgiveness and restoring confidence among women afflicted with marital infidelity. *Life Science Journal*, 9(4), 5675-5679. [Text in Persian]
- Moshirian Farahi, S .M, Ebrahim Abad, M. J., Moshirian Farahi, S. M., Razaghi Kashani, S., & Tavakoli, H. (2016). The relationship between the religious attitudes with marital satisfaction and psychological health and resilience in prison office. *Journal of Pizhūhish dar dīn va salāmat* , 2(2), 24-33. [Text in Persian]
- Marsh, R., & Dallos, R. (2001). Roman Catholic couples: Wrath and religion. *Journal of family process*, 40(3), 343-360.
- Mikulincer, M., & Shaver, P.R. (2007). Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change [Electronic version]. *New York: The Guilford Press*.

26. Ryan, R. M.
- Nikmanesh, Z., Kord Tamini, B., & Sargazi, M. (2016). The prediction of religious self-determination by through attachment styles. *Journal of Educational Psychology Studies*, 13(23), 139-158. [Text in Persian]
- Pakdaman, Sh. (2001). *Investigating The Relationship Between Attachment and Socialism in Adolescence*, Ph. D Thesis in Psychology, Tehran University.
- Pascal, A., Christine, A., & Jean, L. (2008). Development and validation of the cognitive inventory of subjective distress. *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 23, 1175-1182.
- Peiravi, M., & Bahrami, H. (2017). The survey of the couple's primary inconsistent schemas and the matrimonial adjustment in married students. *Frooyesh*, 6(1), 131-158. [Text in Persian]
- Pietromonaco, P. R., & Barrett, L. F. (2000). The internal working models concept: What do we really know about the self in relation to others?. *Review of General Psychology*, 4, 155-175
- Pitman, F. (1989). *Private lies: Infidelity & betrayal of intimacy*. New York: W. W. Norton & Co.
- Rafiee, S., Hatami, A., & Foroghi, A. (2011). The relationship between early maladaptive schemas and attachment in women with extramarital sex. *Quarterly Journal of Woman & Society*, 2(5), 21-36. [Text in Persian]
- Rezvani Zade, A., Aslani Katuli, A. (2014). Predicting extramarital affairs based on attachment styles, self-esteem and narcissism among married students. *The Journal of New Advances in Behavioral Science*, 2(1), 36-45. [Text in Persian]
- Seddighi, A., Masoumi, A., & Shahsiah, M. (2015). An evaluation of the relationship between religious orientation and marital satisfaction among couples of Qom city. *Journal of Sabzevar University of Medical Sciences*, 22(6), 965-971. [Text in Persian]
- Sharifi, M., Haji Heydari, M., Khorvash, F., & Fatehizadeh, M. (2012). Correlation between love schemas and justifications for extramarital involvement in married women. *Journal of Geographical Sciences*, 10(6), 526-534. [Text in Persian]
- Shirvani, M., & Peyvastegar, M. (2011). The relationship between life satisfaction and early maladaptive schemas in university students. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 12(44), 55-65. [Text in Persian]
- Wiederman, MW., & Allgeier, ER. (1996). Expectations and attributions regarding



- extramarital sex among young married individuals. *Journal of Psychology & Human Sexuality*, 8(3), 21-35.
- Whitely, M. A. (2008). Attitudes toward infidelity scale. *Journal of Social Psychology*, 133, 547-551.
- Young, J. E. (2005). Young schema questionnaire– Short form. *New York: Schema Therapy Institute*.
- Yoosefi, N., Karimipour, B., Amani, A. (2017). Evaluating the model of religious beliefs, conflict resolution styles, and marital commitment with attitudes toward marital infidelity. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 7(1), 47-64. doi: 10.22055/jac.2017.20212.1380. [Text in Persian]
- Zhang, D.H., & He, H. L. (2010). Personality traits and life satisfaction: A Chinese case study. *Social Behavior and Personality*, 38(8), 1119-1122.
- Zola, M. F. (2007). Beyond infidelity-related impasse: An integrated, systemic approach to couple's therapy. *Journal of systemic therapies*, 26(2), 25-41.

## نویسندگان

**shahriar.vejdani@gmail.co**

**شهریار وجدانی**

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی. ایشان چندین مقاله روان‌شناسی در مجلات و روزنامه‌های ایران به چاپ رسانده‌اند. همچنین چند کتاب با موضوعات مختلف روان‌شناسی توسط ایشان ترجمه و چاپ شده است. عمده فعالیت ایشان در حوزه پژوهشی، روان‌شناسی اجتماعی، درمان رویکردهای موج سوم و درمان مبتنی بر پذیرش و پایبندی است.

**maryamkarami4@yahoo.com**

**مریم کرمی**

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه خوارزمی تهران. ایشان مؤلف چندین مقاله در مجلات و روزنامه‌های ایران اند. همچنین چند کتاب با موضوعات مختلف روان‌شناسی و مشاوره ترجمه و تالیف کرده‌اند. عمده فعالیت ایشان در حوزه درمان، مشاوره ازدواج و خانواده و تدریس و پژوهش است.

**Ahmadi139090@yahoo.com**

**دکتر صدیقه احمدی**

استادیار گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی، فارغ‌التحصیل دکتری از دانشگاه علامه طباطبائی، ایشان دارای تالیفات، ترجمه‌ها و مقالات متعدد در مجلات علمی داخلی و خارجی هستند. عمده فعالیت ایشان در حوزه درمان فردی و خانواده و پژوهش و تدریس است.



## *The Moderating Role of Religious Beliefs in The Relationship Between Attachment Styles and Attitude Towards Infidelity in Married Women*

Shahriar Vejdani<sup>1</sup>  
Maryam Karami<sup>2\*</sup>  
Sedighe Ahmadi<sup>3</sup>

### **Abstract**

The purpose of this study was to investigate the moderating role of religious beliefs in the relationship between attachment styles and the attitude towards infidelity in married women. In this descriptive-correlational research, 152 married women were selected from Tehran's district 3 community centers using the convenience sampling method. Data were collected using the attachment style scale (Collins and Reid, 1990), Attitude towards infidelity scale (Whatley, 2008), and participating in religious beliefs scale (Golzary, 1379). The results showed that there is a negative significant relationship between secure attachment style and attitude towards infidelity among married women, and religious beliefs moderates this relationship more negatively. There is also a positive and significant relationship between avoidant attachment style and attitude towards infidelity among married women. This direct relationship is not significant when the variable of

---

<sup>1</sup>. M. A in General Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, South Tehran Branch. Iran. shahriar.

<sup>2</sup>. M. A in Family Counseling. Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

\* Corresponding Author: Maryamkarami4@yahoo.com

<sup>3</sup>. Assistant Professor of Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Submit Date:2020.03.21

Accept Date:2020.08.22

DOI:10.22051/JWSPS.2020.30750.2187



religious beliefs act as a moderator. In conclusion, religious values act as a moderator between the types of attachment and the attitude of married women towards infidelity.

***Keyword***

Religious Beliefs, Attachment Styles, Attitude Towards Infidelity